

روایت انسان در مرز قدرت و اخلاق

سروین دهقان

گفت‌وگو



نمایش «قصاب» به کارگردانی شاهور رستمی، با تکیه بر موقعیتی معمایی و پرسش‌هایی اخلاقی، مخاطب را به مواجهه با مرزهای مبهم عدالت، قدرت و خشونت می‌برد؛ جایی که حقیقت همیشه آن چیزی نیست که در نگاه نخست به نظر می‌رسد. در گفت‌وگو با شاهور رستمی، سازنده آقایی و پویا باقری، از شکل‌گیری این اجرا، چالش‌های بازیگری و کارگردانی، بازخوانی شخصیت‌ها و دشواری‌های تولید و ادامه‌دادن تئاتر در روزگار امروز گفته‌ایم؛ گفت‌وگوهایی درباره نمایشی که می‌خواهد تماشاگر را نه فقط سرگرم، بلکه وادار به فکرکردن کند.

شاهور رستمی، کارگردان:

مخاطب باید با پرسشی تازه سالن را ترک کند

شاهور رستمی، کارگردان نمایش «قصاب»، با اشاره به دشواری‌های تأمین سرمایه و تولید تئاتر در شرایط اقتصادی امروز، از دو سال جست‌وجو برای یافتن متن مناسب، چالش‌های طراحی صحنه و اهمیت ارتباط با مخاطب سخن می‌گوید. او معتقد است تئاتر باید در کنار سرگرم کردن تماشاگر، او را به مواجهه با خود و پرسش‌های اخلاقی و انسانی وادار کند.

شما سال‌ها به‌عنوان بازیگر فعالیت کرده‌اید. «قصاب» چندمین تجربه کارگردانی شماست و چه شد که تصمیم گرفتید این نمایش را روی صحنه ببرید؟

«قصاب» دومین تجربه کارگردانی من است. یکی از مشکلات اصلی تئاتر در کشور ما، تأمین سرمایه است. تصمیم گرفتم نخستین کارم را با سرمایه شخصی تولید کنم تا اگر شکست خورد، فقط خودم متضرر شوم، نه تهیه‌کننده‌ای که ممکن است پس از چنین تجربه‌ای دیگر سراغ تئاتر نرود. این بار هم با همین نگاه جلو رفتم و حتی پول پیش‌خانه‌ام را برای تولید نمایش گذاشتم. البته این مسیر بسیار دشوار است، اما به توانایی خودم و موفقیت این اثر باور داشتم. خوشبختانه سجاد افشاریان نیز به‌عنوان تهیه‌کننده، حمایت معنوی و همراهی مؤثری داشت که برایم بسیار دلگرم‌کننده بود.

چطور به نمایشنامه «قصاب» رسیدید؟

حدود دو سال دنبال نمایشنامه‌ای بودم که بتوانم با آن کارگردانی را ادامه دهم. تقریباً هر روز یک نمایشنامه می‌خواندم، اما بسیاری از متن‌هایی که دوست داشتم، به امکانات مالی و اجرایی گسترده‌ای نیاز داشتند. سرانجام در روزی که تقریباً از پیدا کردن متن مناسب ناامید شده بودم، دو نمایشنامه خریدم که یکی از آن‌ها «قصاب» نوشته نیکلاس بیون، نویسنده

کانادایی، بود. بعد از خواندنش احساس کردم همان اثری است که می‌خواهم روی صحنه ببرم. موقعیت اخلاقی پیچیده نمایش و خشمی که در روابط شخصیت‌ها جریان دارد، برایم با شرایط جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم ارتباط داشت. پس از انتخاب متن، حدود یک سال همراه حامد بهریش، دراماتورژ نمایش، روی آن کار کردیم و ترجمه را به زبانی نزدیک‌تر به گفت‌وگوی روزمره تبدیل کردیم تا دیالوگ‌ها برای بازیگران طبیعی‌تر باشند. تغییراتی نیز در متن ایجاد کردیم که با خواندن نسخه اصلی می‌توان به آن‌ها پی برد.

پیش‌تر اشاره کرده بودید که تنها بخشی از ایده اولیه شما در طراحی صحنه اجرا شده است. علت این تفاوت چه بود؟

تصویر مشخصی از طراحی صحنه داشتم و حتی می‌خواستم سقف داشته باشیم، اما محدودیت‌های سالن و هزینه‌ها اجازه ندادند همه ایده‌هایم اجرا شوند. افزایش مداوم قیمت مصالح و دشواری تهیه متریا ل موردنظر هم مزید بر علت بود. در نهایت، به طراحی مینیمال‌تری رسیدیم. ترجیح می‌دادم عناصر اضافی را حذف کنم تا توجه مخاطب به متن و بازی‌ها معطوف بماند. طراحی فعلی را متناسب با امکانات موجود می‌دانم، هرچند با تصویری که در ابتدا در ذهن داشتم تفاوت دارد.

شیوه کارگردانی شما بر چه اصولی استوار است و چطور به انتخاب بازیگران رسیدید؟

از روز اول، میزانشن‌ها و مسیر اجرایی نمایش را مشخص کرده بودم. حتی دفتر کارگردانی‌ام از ابتدا جزئیات زیادی داشت و تغییرات میزانشن‌ها بسیار محدود بود. معتقدم بازیگر باید بداند در هر لحظه چه می‌کند و چرا آن کنش را انجام می‌دهد؛ بنابراین کارم را بر پایه طراحی دقیق موقعیت‌ها پیش می‌برم. در انتخاب بازیگران نیز ابتدا سراغ کسانی رفتم که می‌شناختم و تصور می‌کردم به شخصیت‌ها نزدیک‌اند. بعضی از دوستان در تمرین‌ها حضور داشتند، اما در نهایت احساس کردم برای رسیدن به ویژگی‌های موردنظر این نقش‌ها باید انتخاب‌های دیگری داشته باشم. این تصمیم به معنای نادیده گرفتن توانایی آن دوستان نیست؛ گاهی بازیگری بسیار توانمند است، اما در یک نقش مشخص، انتخاب دیگری مناسب‌تر به نظر می‌رسد. در حال حاضر از گروه بازیگرانم رضایت دارم و حتی ممکن است در ادامه اجراها، فرصت تجربه این نقش‌ها را به بازیگران دیگری هم بدهم.

با توجه به خارجی بودن متن، ارتباط مخاطبان با نمایش چگونه بوده است؟

خوشبختانه استقبال بسیار خوبی از «قصاب» شده و همین موضوع باعث تمدید اجراها شده است. برای من مخاطب مهم‌ترین بخش تئاتر است. تماشاگر در شرایط اقتصادی دشوار امروز، بخشی از درآمدش را برای خرید بلیت هزینه می‌کند و من وظیفه دارم کاری کنم که با رضایت سالن را ترک کند. حتی به مخاطبان گفته‌ام اگر از نمایش رضایت نداشتند، می‌توانند برای بازپس گرفتن پولشان با من تماس بگیرند. البته هدفم صرفاً رضای نگه داشتن

مخاطب نیست؛ می‌خواهم تجربه‌ای داشته باشد که ارزش وقتی را که صرف تماشای نمایش کرده است، حفظ کند.

تولید و اجرای تئاتر در شرایط اقتصادی امروز چه دشواری‌هایی برای شما داشته است؟

شرایط واقعاً دشوار است. گاهی قیمت یک وسیله در فاصله خرید تا تحویل چند برابر می‌شود. برای نمونه، هنگام خرید پارکت صحنه، روز بعد با افزایش قابل توجه قیمت مواجه شدم و مجبور شدم بودجه بخش دیگری را به آن اختصاص دهم. از طرف دیگر، قیمت بلیت هم مسئله مهمی است. ممکن است یک خانواده پنج‌نفره برای تماشای نمایش هزینه کند و طبیعی است که انتظار داشته باشد تجربه رضایت‌بخشی داشته باشد. نمی‌توانم دشواری‌های اقتصادی مخاطب را نادیده بگیرم. برای همین، رضایت او برایم اهمیت زیادی دارد و خوشحالم وقتی تماشاگری پس از اجرا می‌گوید از هزینه‌ای که کرده راضی است.

در شرایط فعلی جامعه، اجرای نمایشی با مضمون و فضای سنگین «قصاب» چه ضرورتی دارد؟

اخیراً با راضا ثروتی درباره همین موضوع صحبت می‌کردیم. از نظر من، در جامعه‌ای که هر روز با مسائل و تنش‌های مختلف مواجه است، چنین آثاری همچنان ضرورت دارند. «قصاب» نمایش خشنی است و موقعیت‌های سنگینی دارد، اما می‌خواهم مخاطب پس از خروج از سالن، همچنان به آن فکر کند. هدفم این است که تماشاگر خودش را جای شخصیت‌ها بگذارد و از خود بپرسد اگر در موقعیت آن‌ها بود، چه تصمیمی می‌گرفت. آیا جای شخصیت دیگری بودم، همان رفتار را انتخاب می‌کردم؟ این پرسش‌ها برایم اهمیت دارند.

در نهایت، دوست دارید مخاطب با چه احساسی سالن را ترک کند؟

برای من سرگرمی در تئاتر اهمیت زیادی دارد؛ البته منظورم صرفاً خندیدن نیست. تماشاگر باید در طول اجرا آن قدر درگیر نمایش شود که برای مدتی از دغدغه‌های بیرون فاصله بگیرد. یکی از خوشحال‌کننده‌ترین بازخوردها برایم این بوده که مخاطبان گفته‌اند در طول اجرا حتی نتوانسته‌اند به تلفن همراهشان نگاه کنند یا گذر زمان را احساس کنند. اما این پایان ماجرا نیست. دوست دارم مخاطب پس از خروج از سالن نیز نمایش را فراموش نکند و پرسش‌هایش ادامه پیدا کند. یک



بار گروهی از تماشاگران حدود یک ساعت و نیم در کافه تماشاخانه درباره نمایش گفت‌وگو می‌کردند و از یکدیگر می‌پرسیدند اگر جای هر کدام از شخصیت‌ها بودند، چه می‌کردند. برای من این اتفاق بسیار ارزشمند است. اگر مخاطب بتواند خودش را در آن‌هایی که نمایش مقابلش گرفته ببیند و با پرسشی تازه سالن را ترک کند، احساس می‌کنم به هدفم رسیده‌ام.

سازنده آقایی، بازیگر:

برای خلق شخصیت، بازسازی رفتارهای بیرونی کافی نیست

سازنده آقایی، بازیگر نمایش «قصاب»، با اشاره به تغییر جنسیت شخصیت افسر پلیس در اجرای شاهور رستمی، این انتخاب را فرصتی برای پرداختن به ابعاد پیچیده‌تری از قدرت، آسیب‌پذیری و خشونت اجتماعی می‌داند. او معتقد است در انتخاب نقش، متن و جهان دراماتیک اثر برایش اولویت دارند و با وجود دشواری‌های اقتصادی و موانع تولید، ادامه فعالیت در تئاتر را نوعی ایستادگی می‌داند.

در مسیر بازیگری تان، چه چیزی در نمایش «قصاب» شما را برای پذیرفتن این نقش متقاعد کرد؟ اولویت من در انتخاب نقش و نمایش، همواره متن و نمایشنامه است. متن دراماتورژی شده «قصاب»، با دیالکت روان و فاصله گرفتن از کلیشه‌های متون ترجمه‌شده، در کنار قصه معمایی و پرتعلیقش، برایم جذاب بود. محتوا و پیام نمایش نیز با باورها و طرز فکر من شباهت داشت. از طرف دیگر، به شاهور رستمی به‌عنوان کارگردان و توانایی او برای ارائه اجرایی خوب از این متن باور داشتم. مجموع این عوامل باعث شد حضور در «قصاب» را بپذیرم.

شخصیت افسر پلیس در نسخه اصلی نمایشنامه مرد است، اما در اجرای شاهور رستمی این شخصیت به زنی تبدیل شده است. این تغییر چه امکانات و چالش‌هایی برای شما ایجاد کرد؟

صادقانه بگویم، این تغییر باعث شد یکی از بهترین پیشنهادهای بازیگری دوران حرفه‌ای‌ام در تئاتر را دریافت کنم. این نقش از جنبه‌های مختلف، چه اکتسابی و چه انتسابی، با من تناسب داشت.

تغییر جنسیت شخصیت افسر پلیس، با ظرافت و ریزبینی، به جهان اثر کمک می‌کند و می‌تواند در انتقال مفهوم نمایش و بازنمایی نقش زنان در خشونت‌های گسترده اجتماعی و بازپس گرفتن حقوق پایمال‌شده‌شان مؤثر باشد.

چالش اصلی من در اجرای

